



عکس: سعید گل‌شهرآرا



در میدان مین کار می‌کنم

۴

گفت‌وگو با تنها بانوی پرورش‌دهنده کروکودیل در ایران

۱۲۰

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۷۸۵ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۱ ۰۷ ۲۶

شنبه ۳

نگاهی به افتخار آفرینان مشهدی در عرصه‌های کشوری
و بین‌المللی ورزش قهرمانی به بهانه هفته تربیت بدنی

پرچم دختران
همیشه بالاست

۳

شاعری
که به دنیا
اعتماد کرده
است

۷



بانوان و افتخارآفرینی برای ایران

اگر چه میان حقوق زنان و تکالیف نقشی تعریف شده برای آنان در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تفاوت های آشکار و پنهانی وجود دارد، تأثیر رسانه ها و قرار گرفتن همه جوامع در قالب بخشی از نظام جهانی سبب شده است زنان در فرایند جامعه پذیری و شکل گیری انتظارات اجتماعی شان از جامعه، اکثرا به شکل جهانی بیاموزند و ببیندیشند و به شکل بومی و منطقه ای عمل کنند. افزایش اندیشه روزی و اهتمام به خردورزی در میان قشر زنان تحصیل کرده سبب شده است انتظارات اجتماعی آنان از جامعه افزایش یابد و متعاقبا سطح انتظارات جامعه از زنان را نیز افزایش دهند. جامعه امروز جهانی دیگر زن را صرفا به مثابه مدیر اندرونی نمی پندارد و تلاش های بی وقفه زنان برای حضور و پذیرفته شدن

در عرصه های اجتماعی جهانی سبب شده است گام به گام توانمندی خود را افزایش دهند و به عنوان صاحب نظران عرصه آموزش و اندیشه وارد میدان مدیریت و تألیف شوند. نمونه بارز بانوان توانمند ایرانی را در سیاست خارجی و در عرصه بین المللی می توان دید، بانوانی که کمتر دیده شده اند. به رغم بسیاری از تصورات اشتباه درباره نقش زنان در دستگاه سیاست خارجی، کشورمان توانسته است موفقیت های چشمگیری برای زنان در عرصه دیپلماسی به ارمغان بیاورد و اثبات کند توانمند هستند هر چند کمتر به ظرفیت های آن ها توجه شده است. از نمونه های موفق عرصه دیپلماسی می توان به چند بانوی فرهیخته و پرتلاش اشاره کرد که در سطح سفیر و دیپلمات در کشورهای مختلف در حال فعالیت اند. دکتر زهرا ارشادی، معاون نمایندگی ایران در سازمان ملل، یکی از این بانوان

فرهیخته است. او بارها به نمایندگی ایران در سازمان ملل به اعلام مواضع پرداخته و به خوبی از تجربه خود در عرصه بین الملل بهره جسته است. نمونه دیگر سر کار خانم فروزنده ودیعتی مدیرکل حقوق بشر و زنان وزارت امور خارجه است که علاوه بر تصدی این سمت مهم، سفیر ایران در فنلاند نیز هست. همان طور که گفته شد، زنان توانمند در این عرصه کم نیستند هر چند انتظار می رود بهای بسیار بیشتری به بانوان داده شود چون زمانی که این بانوان به عنوان نمایندگان فاخر و شایسته جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل مطرح می شوند، همه شعارها و جوسازی غربی ها درباره تضييع حقوق زنان رنگ می بازد. آن وقت است که شعارهای بیهوده علیه زنان ایرانی معنا نمی شود و گزارش ها درباره تضييع حقوق زنان بی اثر خواهد شد. این در حالی است که غرب در ذات خود همواره نگاهی پارادوکس گونه به مقوله زن داشته و عملکرد دوگانه اش نیز در این نوع نگاه به زن نهفته است: زن اگر با ایده آل های غربی هم خوانی داشته باشد حقوقش تضييع نشده است اما

اگر با حفظ کمالات و توانمندی های خود به حدود مشروع دین خود پایبند باشد حتما ظلمی صورت گرفته است! از سوی دیگر، همین بانوی اثرگذار در سطح بین الملل اگر نماینده جمهوری اسلامی باشد، نظام لیبرال غرب به خود اجازه می دهد در حقوق اولیه و مسلم او به راحتی اجحاف کند. برای نمونه، به سفارت ایران در دانمارک حمله شد و سفیر ایران در این کشور مورد تعرض قرار گرفت، آن هم در جایی که دستگاه امنیتی دانمارک موظف بود امنیت جانی دیپلمات ها را حفظ کند. این مسئله محقق نشد و پلیس با تأخیر فراوان وارد عمل شد مخصوصا اینکه این سفیر بانویی ایرانی بود و در این میان حقوق خانم افسانه نادی پور قربانی منفعت گرایی غربی ها شد. هم چنین جا دارد یادای کیم از خانم مرضیه افخم، اولین سفیر زن جمهوری اسلامی ایران و اولین سخن گوی وزارت امور خارجه که ریاست مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه ای را در کارنامه خود دارد و مدتی سفیر ایران در مالزی بوده است.

شماره

شهربانو

شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۱
۲۱ ربيع الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۷۸۶

(۲)

حمیده وحیدی روزنامه نگار (صدف)



برای لبخند دختران

در میان انبوه جمعیت میدان شهدا خواهر شهید محرابی، مدافع حرم، تعداد زیادی عروسک دست ساز را در جشن میلاد پیامبر (ص) که با حضور دختران و بانوان مشهدی برگزار شده است تقسیم می کند. جلوتر که می روم بی آنکه سؤالی بپرسم می گوید: این هدیه هم از طرف برادرم به دختران ایران. دخترها خوشحال اند. شاید کسی نداند این تحفه کوچکی که از مراسم در دست دارد چشم روشنی شهید است

برای آن ها که آمده اند بگویند وطن یعنی امنیت. آرامش پرچمی که دور خود پیچیده اند یعنی یک نفر خیلی دورتر از آن ها خانواده اش، فرزندش و خواهرش را گذاشته و رفته و جان داده است. روبه روی حرم امام هشتم (ع) در عرصه میدان شهدا لبخند دختران از صورتشان محو نمی شود. ساعتی حال خوشم را با قدم زدن بین آن ها عوض نمی کنم. در همین حال به این می اندیشم که ای کاش به جای استفاده از آن جمله

تکراری و معروف در مقاله ها و کلامان و سخنرانی ها که «زنان نیمی از جمعیت ایران هستند» این بار بنویسیم «زنان ستون اصلی کشور هستند» و آنجا که سقف اعتماد بر سرشان محکم شد خوش درخشیدند، دختران و بانوانی که طی سال های اخیر ثابت کرده اند می توانند بیشترین آمار قبولی در کنکور را از آن خود کنند اما هنوز نتوانسته اند تعداد صندلی های مجلس را از هفده کرسی برای خود افزایش دهند، بانوانی که در هشت سال دفاع مقدس، در تحریم ها در بحران کرونا سایه امنیت را بر سر خانواده نگه داشتند اما کمتر در تابلوهای تبلیغاتی شهری، در نشریات و در

رسانه ها دیده شدند. شاید دختر دهه هشتادی مشهدی هنوز نمی داند که در شهرش بانوی خلبان، بانوی تعمیرکار هواپیما، تنها زن ایرانی عضو آکادمی دانشمندان جهان، بانوی موتورسوار، بانوی پلیس و قاضی و ... حاضرند و می تواند با تلاش و پشتکار به روشنایی این مسیر بهبود ببخشد. راستش فکر می کنم بد نباشد به جای آن جمله تکراری در سخنرانی ها بدون پرده به دخترانمان بگوییم که الگوهای زنان مسلمان و پرتلاشمان را سال ها با کم کاری نادیده گرفته ایم و حالا دوباره برای لبخندش دست در دست هم می دهیم، برای ایران و برای آینده او.





شهربانو

۳۱ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۳۷۸۶

(۳)



نگاهی به افتخار آفرینان مشهدی در عرصه‌های کشوری و بین‌المللی ورزش قهرمانی
به بهانه هفته تربیت بدنی

پرچم دختران همیشه بالاست



زنان خطه خراسان از سال‌های دور در مسیر قهرمانی بوده‌اند. از عاکف‌ها و محروقی‌ها تا شیرمحمدی‌ها، همگی، نام مشهد را به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های ورزش بانوان ایران تبدیل و حالا دختران قهرمان جای نسل قدیم را پر کرده‌اند. سکویی نبوده است که به دست دختران ورزشکار مشهدی فتح نشده باشد از سکوهای جهانی تا قهرمانی. قاره کهن و پارالمپیک، همگی، در برابر اراده دختران این شهر سر تعظیم فرود آورده‌اند. این فقط بخش کوچکی از جامعه ورزش دختران مشهد است. صدها دختر قهرمان ورزشی این شهر نیز در رشته‌های مختلف، مدال‌های مختلفی برای ایران کسب کرده‌اند و هر روز در گوشه‌ای از این شهر برای نام مشهد و ایران با همه سختی‌ها می‌جنگند، تلاشی که بسیار ارزشمند است و باید به احترامشان ایستاد و آن‌ها را ساعت‌ها تشویق کرد.

لژیونر پارالمپیک

زنان ورزشکار توان‌یاب مشهدی نیز از پیش گامان ورزش بانوان بوده‌اند. معصومه زارعی، کاپیتان تیم ملی والیبال نشسته، از نسل اولی‌های این رشته است. او حالا با حضوری بیست‌ودوساله در ورزش قهرمانی، بین والیبال‌ها رکورددار است. کاپیتان مشهدی هم چنان در آمادگی خوبی قرار دارد و قرار است در بازی‌های پارآسیایی ۲۰۲۲ هانگ‌ژو به میدان برود. زارعی سودای کسب سهمیه پارالمپیک و بازی در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس را هم در سر دارد.



دو قلوهای تاریخ‌ساز



با اینکه وزنه‌برداری بانوان کمتر از پنج سال به صورت رسمی برای بانوان آغاز شده است، مشهدی‌ها در بین اولین ملی‌پوشان تاریخ این رشته قرار گرفتند. چهره شاخص وزنه‌برداری دختران مشهد دو قلوهای مشهدی، غزل و غزاله حسینی، هستند که بورسیه کمیته ملی المپیک شده‌اند. غزاله حسینی در مسابقات نوجوانان جهان تاریخ‌سازی کرد و اولین مدال این رده سنی را برای ایران به ارمغان آورد. هردو قهرمان اوزان خود در کشور هستند.

مهندس تیم ملی فوتبال بانوان



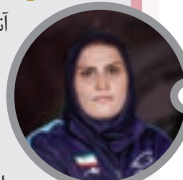
از دهه ۸۰ که دختران ایران هم مستطیل سبز راه یافتند، مشهدی‌ها نیز دست به کار شدند. سمانه چهکندی، ملی‌پوش مشهدی فوتبال، از همان دوره نخست لیگ برتر بانوان با تیم بال گستر قهرمانی را تجربه کرد. او در این پانزده سال، بارها برای تیم کشورش به میدان رفته و در جام ملت‌های آسیا بازی کرده است. پاس‌گل‌های او به عنوان مهندس تیم ملی معروف است. چهکندی امسال دهمین طلای قهرمانی در لیگ برتر را با تیم خاتون بم به دست آورد.

قهرمانی تنیس در دستان مشهدی‌ها



مشهدی‌ها اشتیاق تنیس را در رشته جرقه خوبی برای دختران مشهدی در تنیس روی میز باشد. او از نوجوانی راهی تیم‌های ملی شد و توانست با درخشش در آسیا و در بازی با بهترین بازیکنان جهان، موفقیت‌های فراوانی کسب کند. بعد از قهرمانی در مسابقات آسیایی و جهانی در دوران نوجوانی، حالا اشتیاق جوان در تلاش است اولین دختر مشهدی‌ای باشد که راهی المپیک می‌شود.

همه فن حریف



آنا برای مربی باتجربه کشتی بانوان است و نقشی بزرگ در کشف استعدادها و دختران مشهدی در این رشته دارد. خودش روزگاری ملی‌پوش بوده و حالا در قامت سرمربی تیم ملی کشتی آلیش بانوان ایران، هدایت تیم ملی را برعهده دارد. او در این مدت کاری شبیه معجزه انجام داده و تیم ملی در کمتر از یک سال در دو رویداد آسیایی و یک رقابت جهانی به عناوین قهرمانی رسیده است.

ملی‌پوش پنج ستاره

فاطمه شریف، ملی‌پوش سابق و مربی موفق مشهدی، در رشته فوتسال است که توانسته در زمینه مربیگری و تدریس بین‌المللی در بالاترین سطح قرار بگیرد. در کارنامه او هدایت تیم ملی جوانان و پنج تیم لیگ برتری وجود دارد و تیمش همیشه یکی از مدعیان قهرمانی است. او علاوه بر مربیگری، نایب‌رئیس بانوان هیات فوتبال خراسان رضوی نیز هست.

قهرمان دودست در میچ‌اندازی ایران



بانوان مشهدی در رشته میچ‌اندازی نیز افتخارآفرین هستند. شمیم یعقوبیان اولین بانوی مشهدی است که به اولین تیم ملی میچ‌اندازی زنان ایران سال گذشته دعوت شد. او با هردو دست راست و چپ خود قهرمان ایران شده است. یعقوبیان علاوه بر بازیکنی، هدایت تیم خراسان رضوی را در رقابت‌ها برعهده داشته و نایب‌رئیس کمیته میچ‌اندازی بانوان در هیئت بوده است.

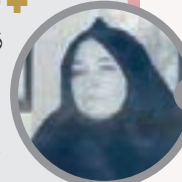
قهرمان و سرمربی



مهری یوسف‌زاده، معلم و چهره مطرح بسکتبال با ویلچر دختران در کشور، توانسته است در این سال‌ها ملی‌پوشان فراوانی به تیم ملی معرفی کند. او در سال‌های گذشته هدایت تیم ملی بانوان کشور را در بازی‌های پارآسیایی جاکارتا و اینچئون برعهده داشته و از سال گذشته دوباره به عنوان سرمربی تیم ملی بسکتبال با ویلچر منصوب شده است تا تیم ملی را در بازی‌های پارآسیایی هدایت کند.

بانوی دارنده اولین دارنده مدال تیراندازی بعد انقلاب

زهرا محروقی، بانوی تیرانداز مشهدی، ۲۴ سال قبل اولین پرچم‌دار زن کاروان ایران در بازی‌های آسیایی، در رژه رقابت‌های بانکوک ۱۹۹۸ حامل پرچم کشور ایران بود. او جزو اولین زنان ورزشکار ایران است که در دو دوره از بازی‌های آسیایی ۱۹۹۴ هیروشیما و ۱۹۹۸ بانکوک حضور داشته است. محروقی دوازده سال در تیم ملی تیراندازی فعال بود و با کسب برنز ارشدی جهان، اولین مدال تیراندازی بعد از انقلاب و با کسب برنز قهرمانی آسیای اندونزی اولین مدال قهرمانی آسیا را در این رشته به دست آورد. او عناوین دیگری چون سومی مسابقات بین‌المللی کره شمالی و چندین مدال خوش‌رنگ از مسابقات زنان مسلمان را در کارنامه دارد.



بر فراز قله‌های بلند جهان



کتایون محمودی‌فر، کوهنورد مشهدی، امسال موفق شد قله ۸ هزار و ۱۶۳ متری ماناسلوی هیمالیا را فتح کند. قله کورجسکایا و قله لنین در قرقیزستان از قله‌های بلندتر از هفت هزارمتری هستند که محمودی‌فر قبل از این نیز به آن‌ها صعود کرده بود.



اینکه تنها زن پرورش دهنده

کروکودیل در خاورمیانه یک

مشهدی است و همین حوالی

مشهد کارش را انجام می دهد.

جذاب و البته منحصر به فرد است

اما با همه جذابیت ها

وحشتناک است.



شهربانو

شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۱
۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۷۸۶

۴

تا ملک آباد در سراسر راه به این فکر می کنم قرار است با زنی روبه رو شوم که احتمالا شانه هایی پهن، چهره ای درشت و دست هایی زمخت دارد، زنی که به جای پرورش گل و بلبل سراغ پرورش خاص ترین و در عین حال ترسناک ترین موجود روی

زمین رفته است که آدم می خورد! موجودی که به دلیل داشتن حافظه کوتاه مدت، حتی به صاحب خود رحم نمی کند و در کسری از ثانیه، با آواره های محکم و دندان های تیزی که دارد یک لقمه ات می کند، موجودی که سالی هشتاد گردشگر و دونفر از پرورش دهندگان خود را در جهان می خورد یا دچار قطع عضو می کند.

مهری رمضانی برعکس همه تصورات من زنی جوان و خوش روست، زنی با سه فرزند که به جای تکرار تکرارها از سال ۹۰ به دنبال کاری خاص رفته است. این انتخاب بارها او را تا پای مرگ برده و اگر لحظه ای غفلت می کرده است، حتما وعده غذایی یکی از همین کروکودیل هایی می شده که میلیاردری برای آن ها خرج کرده است. «چون رشته ام جانورشناسی بود، به دنبال کاری نو بودم. اولین جرقه پرورش کروکودیل در سفر به چابهار به ذهنم زد. برای دیدن گاندوها رفته بودیم که نگهبان آنجا گفت در دنیا تنها ۱۰ نفر کروکودیل پرورش می دهند که هشت نفر از آن ها زن هستند.»

گفت: یک خانم و پرورش کروکودیل؟!+

سفر به چابهار کاری خاص را در ذهن او جرقه می زند. «این شد که ۱۸ فروردین سال ۹۰ برای اولین بار درخواست پرورش کروکودیل را به شیلات استان و هم زمان به نظام مهندسی، جهاد کشاورزی، دامپزشکی، محیط زیست و اداراتی که تسلط مستقیم به کار ما دارند ارائه

دادم و با گذراندن دوره های مختلف، موافقت نامه

اصولی، پروانه تأسیس و پروانه بهره برداری

گرفتم. خاطرم هست وقتی برای درخواست

مجوز رفته بودم، آقایایی که آنجا مسئول بود گفت:

یک خانم و پرورش کروکودیل؟! آقایان در این کار

مانده اند چه برسد به شما که خانمی! امکان ندارد

بتوانی این کار را راه بیندازی! همین حرف او به من انگیزه داد. شاید اگر موافقت

می کرد و می گفت می توانی، این قدر انگیزه برای کار پیدا نمی کردم و وسط کار

با سختی ها و سنگ اندازی هایی که بود کنار می کشیدم ولی چون می خواستم

بگویم و اثبات کنم که می توانم، ادامه دادم و پای همه سختی ها ایستادم.

اتفاقا روزی که پروانه گرفتم پیش همان آقا رفتم. دیگر مسئولیتی نداشت

ولی رفتم و گفتم که دیدید توانستم؟! بابت آن حرف که انگیزه من شد از

او تشکر هم کردم.»

در میدان کار

گفت و گو با تنها بانوی پرورش دهنده کروکودیل

+ می گفتند پرورش ماهی بزنم

آن قدر پای کارش بوده است که وقتی مجبور به گرفتن مشاور حقوقی برای پروژه می شود، خودش شروع می کند به خواندن رشته حقوق زیرا مشاور حقوقی برای انجام کار ۱۰ درصد از سود مجموعه را طلب می کند و او برای اینکه هزینه های کمتر شود، خودش حقوق می خواند. به نظر می رسد یکی از دلایل موفقیت او این است که هم رئیس کار خودش است و هم سرایدار کارش. از هجده سالگی تجربه کار دارد و سه مؤسسه در حوزه های مختلف از قبیل کامپیوتر و حسابداری را مدیریت می کرده است. برای شروع این کار نیز خودش و همسرش همه سرمایه شان را به میان می آورند و در مجموع ۸ میلیارد تومان سرمایه گذاری می کنند.

به عنوان اولین زن در این حوزه از سال ۹۰ شروع می کند به درخواست دادن برای کاری خاص. این در حالی است که می داند اولین ها همیشه باید سختی های زیادی را پشت سر بگذارند. «در این ۱۰ سال هر چالش و هر سنگ اندازی ای بود تجربه کردم. از ایرادگیری ها و چالش های اداری بگیرد تا کنایه هایی که دوستان و نزدیکان به من می زدند. خیلی ها می گفتند پرورش قارچ یا ماهی بزنم. می گفتند زود بازده است و سود خوبی دارد و البته وام های خوبی هم برای آن می دهند اما من به دنبال تجربه کاری خاص بودم. نمی خواستم از روی دست دیگران تکرار کنم. حتی به من گفتند این حیوان در منطقه گرمسیری می تواند زندگی کند و اینجا نمی شود آن را پرورش داد ولی من گفتم محیط مصنوعی استوایی درست می کنم. آب شور هم برای آن ها تأمین کردم.»



می‌خواهیم استوا را به قطب وصل کنیم

او در کنار تأمین محیط و دریافت مجوزها، آموزش‌های این کار را نیز در مالزی همراه همسر و پسر سه‌ماهه‌اش می‌گذرانند. «همه دوره‌ها را هم در مالزی با همسرم دیدیم. پسر من آن زمان سه‌ماهه بود و الان یازده‌ساله شده است. اگر آن زمان یک تخم کروکودیل می‌گرفتم، الان یک کروکودیل یازده‌ساله داشتم! دقیقاً یازده سال درگیر مجوزها بودیم. الان هم یک سال است کار را راه انداخته‌ایم و دقیقاً ۱۲ مهر ۱۴۰۰، بعد از پشت سر گذاشتن شرایط سخت تحریم و کرونا، کروکودیل‌ها را وارد کردیم. آن زمان حجم زیادی علیه ما درست شد که می‌خواهیم این حیوانات را سلاخی کنیم. در صورتی که نگهداری، پرورش و تولید مثل آن‌ها برای من سودآور است. اگر این‌ها را بکشم که دیگر کارم تمام شده است! هیچ جای دنیا و هیچ تاجری برای خرید ۸۰ طاقه پوست نمی‌آید اما گردشگری که برای بازدید از مجموعه می‌آید بسیار سودآور است.»

خانم رضانی از واکنش‌ها و جوسازی‌ها هنوز هم دلخور است و می‌گوید پرورش این حیوان برای او سودآور تر است، نه کشتارش! «سودآوری ما از پرورش کروکودیل در حال حاضر گردشگری و زنده‌فروشی به کشورهای خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس است. کشورهای حاشیه خلیج فارس به نگهداری خانگی این حیوان علاقه زیادی دارند و در آکواریوم از آن‌ها نگهداری می‌کنند. ما نمایندگی زنده‌فروشی را از کشور مالزی داریم. از عراق ماهی دو خرید برای باغ وحش‌ها داریم و هم‌رو به‌ویژه روزهای آخر هفته حدود هزار و ۵۰۰ گردشگر برای بازدید می‌آیند. چه از این بهتر که مردم با ۲۰ هزار تومان گران‌ترین کروکودیل دنیا را ببینند! البته این مژده را هم بدهم که قرار است استوا را به قطب وصل کنیم و چند پنگوئن نیز از قطب جنوب بیاوریم. فکر کنید از گرم‌ترین محوطه اینجا که پرورش کروکودیل است به سردترین محوطه که یخچالی زیرزمینی در همین منطقه است بروید و پنگوئن قطبی ببینید.»

وقتی ماجرای پنگوئن‌ها را می‌گوید متوجه می‌شوم تا چه اندازه دنبال کارهای خاص است، کاری که خیلی‌ها جرئت آن را ندارند. من یکی در شجاع‌ترین حرکت عمرم زمانی که او یک کروکودیل در دست گرفته بود با دست کش و با احتیاط زیاد توانستم چند ثانیه پوست حیوان را لمس کنم! همکارم هم حالش بد شد و رفت. این در حالی است که او داخل قفس‌ها می‌رود، به حیوانات غذا می‌دهد و استخرهای آن‌ها را تمیز می‌کند. همین چند ماه پیش هم که سه کروکودیل سوءتغذیه گرفته بودند آن‌ها را به خانه برده بوده و روزی هشت ساعت به آن‌ها شربت عسل می‌داده است.

با تجربه‌ای که ما از این بازدید داشتیم، متوجه شدیم کروکودیل‌ها زمانی دهان خود را باز می‌کنند که احساس کنند طعمه‌ای به آن‌ها نزدیک است. پس اگر این موجود را در این حالت دیدید شک نکنید که به شما به عنوان یک خوراکی خوش‌مزه نگاه می‌کند! گاهی هم که گرمای درونی آن‌ها غلبه می‌کند برای تخلیه دمای بدنشان دهان خود را باز می‌کنند. آن‌ها سه پلک دارند که یکی روکشی روی چشم آن‌ها در آب، یکی برای غذا خوردن و یکی برای شکار کردن است. یعنی در حالی که احساس می‌کنید کروکودیل در خواب است، این موجود در حال برانداز کردن شما برای بلعیدن است! آن‌ها بعد از گرفتن یک قسمت از بدن شکار، آن قدر آن را می‌چرخانند تا عضو کنده و شکار خسته شود.

خانم رضانی لحظه شکار شدن توسط کروکودیل‌ها را یک بار با تمام وجود احساس کرده است. او در دوره آموزشی گرفتن این حیوان در مالزی، ناگهان متوجه می‌شود سه کروکودیل پنجاه‌ساله چهارمتری حس حمله به او را گرفته‌اند و از سمت راست، روبه‌رو و پشت سر می‌خواهند به او نزدیک شوند. در این لحظه فقط به خدا توکل می‌کند و با کنترل ترس خود، از معرکه نجات می‌یابد.

از می‌کنم

در ایران

۱۵۰۰ کیلو فشار زیر هر دندان

گاندویی که در ایران داریم قوی‌تر است. در سال بین ۸۰ سانتی‌متر تا یک متر افزایش قد دارد. طول این گونه تا ۷ متر می‌رسد. بعد از آن، از پهنا عریض می‌شود و وزن آن‌ها تا هزار و ۵۰۰ کیلو می‌رسد. نام این گونه پروسس استرالیایی است که ما از مالزی وارد کرده‌ایم. در خاورمیانه پرورش این گونه به این سبک برای اولین بار توسط ما انجام شده است. وقتی برای کروکودیل گوشت می‌اندازیم، در یک حرکت، حدود ۸۰۰ گرم از آن را می‌بلعد. همین هشت ماه پیش بود که در تایلند دست یکی از همکاران ما را گاز گرفته و قطع کرده بود. با وجود این، من به کارم ادامه می‌دهم چون معتقدم برای پیشرفت یا باید اولین باشی یا بهترین!»

جالب است که با همه خطراتی که در کمین او بوده، تاکنون آسیبی جدی از کروکودیل‌ها ندیده است. «در مالزی هنگام آموزش، دندان‌های کروکودیل به انگشتم خورد و زخمی شد. البته به قطع شدن نرسید. گرفتن این‌ها شگردی خاص دارد. باید از سمت چپ حیوان حرکت کنی. از سمت راست تسلط بیشتری دارند. از سمت چپ بدنشان، تار می‌بینند. اول باید چشم‌های حیوان را ببندی تا بتوانیم فکش را بگیریم. باید بینایی‌اش را با پتو یا کیسه بگیریم، بعد سریع فک را ببندیم. همین که فک را ببندی، در واقع قدرت آن‌ها را گرفته‌ای. زیر هر دندان این حیوان هزار و ۵۰۰ کیلو فشار است. این نژاد قوی‌ترین آرواره را دارد و از گونه

شماره

شهربانو

شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۱
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۷۸۶

۵

➤ راه رفتن در میدان مین

خانم رضانی چند خاطره ترسناک هم برای ما تعریف می کند تا بعد از لمس پوست نرم و چرمی کروکودیلی که در دست دارد چندان به آن ها اعتماد نکنیم! «شکارشان گروهی است و از چهار طرف همه با هم حمله می کنند. صبر زیادی در شکار دارند و آن قدر اعتمادسازی می کنند که شکار اعتماد کند. ما از دور بین ها دیدیم که یک کبوتر چاهی دوسه ساعتی آمده بود اینجا برای آب خوردن. این ها آن قدر آرام بودند که انگار مجسمه هستند اما در یک لحظه،

گروهی کبوتر را روی هوا زدند و خوردند. همه نیروهای اینجا تعلیم دیده هستند ولی باز هم خودم یا همسرم که آموزش دیده هستیم داخل قفس ها می رویم. کروکودیل ها ترس را از دمای بدن متوجه می شوند. ما یاد گرفته ایم وقتی داخل قفس ها می رویم دمای بدن خود را کنترل کنیم. اگر بترسیم و رنگ ببازیم، سریع حمله می کنند چون مانند سگ های شکاری ترس را درک می کنند. البته همین هم باعث نمی شود که مراقب نباشیم و به ما حمله نکنند زیرا حافظه شان زود پاک می شود ما را نمی شناسند. همیشه وقتی داخل قفس ها می رویم دو نفری هستیم تا یکی تمیزکاری کند و یکی مراقبت. با همه این مراقبت ها سالانه دو نفر از همکاران ما در دنیا توسط کروکودیل ها یا خورده

➤ گفتند کروکودیل مشمول وام نیست

او و همسرش برای راه اندازی این مجموعه ۸ میلیارد هزینه کرده اند. «کروکودیل ها را با دلار هشت هزار تومانی و یازده هزار تومانی خریدیم که حدود ۳ میلیارد هزینه حیوان ها شد و الباقی هزینه ها برای ساخت و ساز بود. در ناکجا آبادی به ما زمین دادند که هیچ امکاناتی نداشت، نه آب، نه برق، نه گاز. گفتند باید حريم ها رعایت شود! ما با هزینه خودمان همه امکانات را تأمین کردیم. یک ریال هم به ما وام ندادند. گفتند کروکودیل مشمول وام نیست چون تاکنون نبوده است.»

● ● ●

کروکودیل ها با متر از و جنسیت قیمت گذاری می شوند. قیمت هر سانتی متر آن حدود یک میلیون تومان است. البته این قیمت برای کوتاه تر از ۲ متر است و از ۲ متر به بالا ارزشش دو برابر است. یعنی بابت هر یک سانتی متر ۲ میلیون تومان. برای کروکودیل های بزرگ با قد ۷ متر قیمت ها توافقی و حدود ۵ میلیارد است. با وجود این قیمت ها، بد نیست بدانید هر حیوان سالانه بین ۴۵۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.

➤ از سرم سازی تا اسانس گران ترین ادکلن

دیگر فواید کروکودیل ها که پرورش آن ها را اقتصادی تر جلوه می دهد و البته قدرت خالق این مخلوق را نمایان می کند جالب و جذاب است، فوایدی که زیاد به کار انسان ها می آید. «سرمی که از خون کروکودیل گرفته می شود پانصد برابر آنتی بیوتیک های بازار قوی است و براساس تحقیقات انجام شده، بیماری ایدز را درمان کرده است. در ایران دانشگاه فردوسی و دانشگاه تهران وارد مطالعات شده اند. هم چنین قرار شده است کشور آلمان دستگاه هایی ارسال کند تا فاکتورهای خونی را برای آن ها ارسال کنیم. چین، کانادا، آمریکا و آلمان به این نتیجه رسیده اند که از خون این حیوان بیماری ایدز را درمان کنند. هیاتیت و بیماران دیالیزی را هم درمان می کنند. این حیوان ماده ای به نام کروکودیلین در خون خود دارد که بیماری آسم را صد درصد درمان می کند. پودر استخوان این موجود در درمان سرطان استفاده می شود. پوست و گوشت آن گران ترین در بازارهای دنیا هستند. بزاق زیر گلویش نیز پایه اسانس بهترین ادکلن های فرانسه است. سالی یک بار هم دندان ریزی دارند که از دندان ها در جواهر سازی استفاده می کنند و گردن بند و دست بند می سازند.»

کروکودیل ها به شدت ناموس پرست هستند و جفت گیری آن ها در آب است. اگر لحظه جفت گیری کروکودیلی نر به قلمرو آن ها وارد شود به قصد کشت آن را می زنند. آن ها هر سال حدود هفتاد تا هشتاد تخم می گذارند که در بدترین حالت، نیمی از آن ها باز می گذارند هم چنین تعیین جنسیت تخم ها با دمای موجود نر و با کمتر کردن آن ماده می شود. پوست ماده ها روشن و فسفری و نرها پوستی تیره رنگ دارند. آن ها بین هشتاد تا ۱۱۰ سال عمر می کنند.



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

فخرالدوله بانویی که تاریخ را به هنر تبدیل کرد

در دوره قاجار زنانی متعلق به طبقه اشراف زادگان بودند که از دربار به عنوان محل مناسبی برای آموزش علم و هنر بهره می گرفتند. بعضی از آن ها زبان های خارجی می دانستند. تعدادی ساز می نواختند یا نقاشی می کشیدند. از میان آن ها می توان فعالان اجتماعی و سیاسی را هم دید که به مخالفت با همان درباری برخاستند که در آن بزرگ شده بودند. یکی از این شاهزادگان که شیوه زندگی اش با سایر زنان دربار متفاوت بود فخرالدوله نام داشت. فخرالدوله یا تومان آغا، دختر هفتم و فرزند دهم ناصرالدین شاه، زنی تحصیل کرده بود که نامش بین شاعران دوره ناصرالدین شاه نیز آمده است. خط زیبایی هم داشت و برخی از کارشناسان تاریخ معتقدند تعدادی از خاطرات ناصرالدین شاه به دستخط زیبای اوست. اما آنچه باعث ماندگاری نام فخرالدوله در تاریخ شده خدمتی است که او به ادبیات عامیانه ایران کرده است. گفته می شود درباریان شب ها هنگام خواب ناصرالدین شاه برای سرگرمی او برنامه های متعددی داشته اند. برای نمونه، هنگام خواب شاه، چند استاد نوازنده سازهایشان را کوک می کردند و برای او می نواختند. سپس داستان گوی رسمی دربار به نام نقیب الممالک داستان های عامیانه را برای شاه بازگو می کرد. فخرالدوله پشت در نیمه باز اتاق خواجه سراپیان می نشست و به دقت آن داستان ها را مکتوب می کرد و برای آن ها نقاشی می کشید. این گونه شد که نام فخرالدوله به عنوان کسی که داستان های شفاهی ایران را مکتوب و تصویرگری کرده است در تاریخ قاجار ثبت شد. به گفته کارشناسان، اگر امروز ما داستان های ماندگاری چون امیرارسلان رومی و زرین ملک داریم به همت اوست. شعرهای او شامل دیوانی از چند هزار بیت است که با خط خود نوشته است و در کتابخانه سلطان محمود میرزا در پاریس نگهداری می شود. فخرالدوله در جوانی به بیماری سل مبتلا شد. به همین دلیل، در سی و سه سالگی درگذشت. بر سنگ گورش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه چند بیت از شعرهایش نوشته اند. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود ذیل وقایع روز ۴ رمضان ۱۳۱۰ می نویسد: فخرالدوله تومان آغا، دختر شاه، امروز صبح مرحوم شده است. این شاهزاده خانم ۳۳ سال داشت و بهترین اولاد شاه بود، صاحب جمال و کمال، خط و ربط، نقاشی و موسیقی، اما به مثل مشهور، انگور خوبی بود نصیب شغال شده بود. عشقی به مهدی قلی خان مجدالدوله پیدا کرده بود و به خلاف میل پدر، هفت هشت سال بود که زن او شده بود. از او اولادی هم نمانده است.

شهربانو

۳۳ شنبه
۲۶ مهر ۱۴۰۱
۲۱ رجب الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۷۸۶

(۷)

شاعری که به دنیا اعتماد کرده است

نرگس برهمند زاده دشت های پهناور و خوش منظر خراسان شمالی است. اودر مهر ماه ۱۳۵۹ در بجنورد به دنیا آمده و از نوجوانی سرقوت شعر رفته است. شعر هم رفیق و همراهی برایش می شود که تا اکنون از او جدا نشده است. خودش معتقد است شرکت در جلسات شعر شهرستان بجنورد در آن سن و سال، هم چنین تمرین و تکرار بسیار در امر نوشتن و مطالعه مستمر باعث شدند پیوند فکری و عاطفی زیادی با عالم ادبیات پیدا کند و بعدها تحصیلاتش را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی ادامه دهد.

برهمند در سال ۱۳۷۹ با شاعر خوش نام خراسانی، جواد کلیدری، ازدواج کرده است. به نحوی، همین زندگی مشترک شاعرانه، خود، نقطه عطفی در مسیر علاقه و دل بستگی او به ادبیات می شود. نرگس برهمند در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان شمالی کارشناس مسئول فرهنگی است. برای کودکان و نوجوانان نیز آثاری تألیف و منتشر کرده است. از جمله این آثار می توان به داستان قارقار نارنجی و مجموعه شکر خانه به اتفاق جمعی دیگر از نویسندگان اشاره کرد. از او کتابی نیز در زمینه آموزش موسیقی به کمک شعر برای کودکان با عنوان «دستان» منتشر شده است. شعرهای این مجموعه را که نت نویسی و آهنگ سازی شده است برهمند سروده است.

برهمند شاعری است همواره مهربان و خوش خلق با تجربه زیسته های خاص خودش که جهان کلمات و شعرش را حس برانگیز و اثرگذار می سازند. رد پای طبیعت و کشف و درنگ در زیبایی های شاعرانه اش، هم چنین تلاش برای رسیدن به سازگاری با محیط پیرامون در شعر او به روشنی مشهود است. از سویی دیگر، دست و پنجه نرم کردن با فراز و فرودهای زندگی روزمره در بیشتر شعرهای او به چشم می خورد و ذهن و عاطفه مخاطب را درگیر می کند. زبان برهمند در اشعارش ساده است و به دور از تکلف. او که پشتوانه محکمی در سرایش شعر کلاسیک دارد، اولین مجموعه غزلش با عنوان «رشته کوه عزیز» را در سال ۱۳۸۸ که در مشهد ساکن بود توسط نشر شاملو به چاپ رساند و همان سال مجموعه شعر سپید «به دنیا اعتماد کرده ام» را نیز منتشر کرد. این کتاب برگزیده جایزه شعر خبرنگاران شد و مورد توجه شاعران و منتقدان ادبی قرار گرفت. شعرهای سپید کتاب «به دنیا اعتماد کرده ام» به لحاظ ساختار، محتوا و زبان مطابق با حال و هوای جریان ساده نویسی بودند که در آن مقطع، علاقه مندان، طرف داران و منتقدان خاص خود را در میان اهالی ادبیات داشت. بعد از آن مجموعه که جزو آثار موفق برهمند است، پس از وقفه ای چندساله، در آذرماه ۱۳۹۹ از او مجموعه شعر سپید دیگری با عنوان «آمبرولا، خواهر گل های جهان» به چاپ رسید. برهمند در این کتاب با نگاهی نو، تفکر و احساساتی زنانه و زبانی به روزرسانی شده، هم چنین زاویه دیدی جهان شمول تر، توانسته است امضای روشنی از خود به جا بگذارد. این مجموعه شعر توانست نامزد جایزه شعر شاملو شود و جزو چهار نامزد نهایی جایزه شعر الوند باشد.

به دنیا اعتماد کرده ام
به هواپیمایی که از روی سرم رد می شود
به زمینی که می چرخد
حتی اگر خواب باشم
به زندگی اعتماد کرده ام
و در خیابان های شهر قدم می زنم
بی آنکه بیفتم



زهره شوشتری کارشناس حقوق



پاسخ به پرسش های حقوقی

در این ستون به پرسش های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می شود. مخاطبان گرامی می توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرا را به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

آیا مهریه را می توان بعد ازدواج نیز افزایش یا کاهش داد؟

درباره کاهش میزان مهریه این امکان پس از ازدواج نیز وجود دارد اما در مورد افزایش آن اختلاف نظر است. برخی ها معتقدند که با توجه به اینکه امکان کاهش وجود دارد، بنابراین امکان افزایش نیز هست اما مخالفان بر این نظرنند که آنچه هنگام عقد واقع شده است ملاک است و صیغه عقد بر اساس آن بنا شده است. پس افزایش آن خارج از شرایط عقد و باطل است.

اگر شرط انتخاب مکان زندگی در عقدنامه به عهده زن باشد، می توان بعد ازدواج آن را تغییر داد؟

بله، امکان تغییر شروط ضمن عقد در صورتی که بر خلاف مقتضی ذات عقد نباشد، وجود دارد.

همسر برادر یک بیماری نادر مربوط به قبل از ازدواج را از ما مخفی کرده است. حکم این مسئله بعد ازدواج چیست؟

بیماری هایی که با وجود آن امکان فسخ نکاح وجود دارد در قانون بیان شده است. در صورتی که بیماری در فرض سؤال از موارد مذکور در قانون باشد، امکان فسخ نکاح وجود دارد.

اگر مرد بدون اجازه همسر دوباره ازدواج کند، با شکایت همسر اول می توان جلو ازدواج را گرفت؟

خیر، امکان جلوگیری برای ثبت ازدواج وجود ندارد اما در صورت وقوع ازدواج مجدد بدون اجازه همسر اول، امکان درخواست طلاق یک طرفه برای او وجود دارد.

شرایط طلاق غیابی چیست؟ اگر قاضی به اشتباه در نبود خوانده حکم صادر کند، می توان شکایت کرد؟

برعکس آنچه در نظر عموم است، در انواع طلاق، طلاق تحت عنوان طلاق غیابی نداریم. منظور از طلاق غیابی، دادنامه

طلاق است که به صورت غیابی صادر شده است. پس در فرض سؤال، شرایط خاصی برای طرح چنین دادخواستی لازم نیست و قاضی در نبود خوانده می تواند رأی صادر کند.



ماجرای شهیدی که داعش هموزن او طلا داد

عباس آبیاری قهرمان رشته رزمی هاپکیدو بود اما به قهرمانی در این دنیا بسنده نکرد و حکم اصلی قهرمانی را از صاحب اسمش، حضرت عباس^(ع)، و در دفاع از حریم عقیده بنی هاشم گرفت. دو سال بی وقفه پیگیر کارهای رفتنش بود. در نهایت، وقتی اربعین سال ۹۴ به کربلا می رود، کنار ضریح منور قمر بنی هاشم درد دل می کند و از علم دار کربلا می خواهد مقدمات دفاع از حرم خواهرش را نصیب او کند.

جان قربان

او متولد ۸ دی ماه سال ۷۰ بود و در ۲۱ دی ماه سال ۹۴ به دست تروریست های تکفیری در خان طومان به قافله شهدا می پیوندد. شهلا فریادرس، مادر این شهید بزرگوار، درباره پسرش می گوید: عباس بیست و چهار سالگی به شهادت رسید. او رشته رزمی را از همان دوران کودکی دوست داشت و حدود پانزده سالگی وارد رشته رزمی شد. در رشته رزمی هم بسیار موفق بود. به قهرمانی های متعدد رسید و مدال های زیادی کسب کرد. هاپکیدو رشته ای است که نمی توانست به خارج بروند. از کره استادمی آوردند. او در اینجا در مبارزه امتحان می گرفت و حکم قهرمانی را می داد. عباس قهرمان و استاد رشته رزمی هاپکیدو بود.

عباس ساعت چهار روز ۲۱ دی ماه تیر خورده و وضعیت بسیار وخیمی پیدا کرده بود. آن ها بالای یک شیار در خان طومان بودند. دو نفر از همزمانش نیز کنارش بودند. تعریف می کنند بعد از تیر خوردن، همزمانش گفته بودند برگردیم ولی عباس گفته بود: «نه، شما همه مهمات و سلاح من را ببرید و یک نارنجک به من بدهید.» با این حرف، دوستانش خندیده و به شوخی گفته بودند: «با نارنجک می خواهی خودت را به شهادت برسانی؟» که عباس گفته بود: «کجای کارید؟ خود خانم دنبالم می آید.» نارنجک را می گیرد و دوستانش از شیار پایین می روند. زمانی که پنج تا از نیروهای داعش به او نزدیک می شوند، ضامن نارنجک را می کشد و آن ها را به درک واصل می کند. بعد خودش به حالت سجده روی خاک می افتد و به شهادت می رسد. به این علت که عباس چند تن از فرماندهان و تعداد زیادی از نیروهای داعش را به هلاکت رسانده بود، فرمانده اصلی گفته بود: «زنده و مرده این آدم را باید اسیر کنید که از صبح تا حالا لبخند را به لب ما خشکانده است.» و هموزن دست و پایش، طلا جایزه می گذارد. بعد از شهادت، پیکر عباس را برمی دارند، سر، صورت و بدنش را تکه تکه می کنند و آن را در بخش های مختلف پخش می کنند. چند ماه بعد جمعه، و حدود یک کیلو از بدنش را در مبادله تحویل دادند. روز هفتم تیرماه، مصادف با ۲۱ ماه مبارک رمضان، پیکرش را دفن کردیم.



خودشیفتگی و باز کردن جعبه خورشید

نگاهی به کتاب «من سلاخ نیستم»

نیم

نعمه ترکمرانیا
مدال فرهنگی

همین که شروع به خواندن می کنیم، با کتابی جذاب از فضایی غیرواقعی و آدم هایی حیرت آور روبه رو می شویم. در این کتاب، آدم ها بدنشان را تکه تکه می کنند تا نقصی را بپوشانند. خودشان را تغییر می دهند، عضوی از بدنشان را می دهند و عضوی دیگر می گیرند و تکه های بدنشان برای بقیه می ماند. اگر کسی بخواهد برمی دارد و اگر نه، تاریخ مصرف آن عضوی گذرد. در این دنیای خیالی، نویسنده ما را به شناخت اتفاقات و آدم هایی سوق می دهد که خاص و عجیب اند و کم کم معمای رمان حل می شود.

«من سلاخ نیستم» با زاویه دید اول شخص نوشته شده است و داستان از یک دادگاه شروع می شود. «سر کوچک، نه، سر بزرگ، نه، سر کوچک و بزرگش را جلو صورتم گرفته بود. چشم کوچکش خونی بود. چشم بزرگش را گشادتر کرد. ابروی پرپشتش را بالا داد و ابروی نازکش را به چشم کوچکش چسباند. سوراخ های بینی اش هم زمان تنگ و گشاد شد. دهانش را باز کرد و روبه صورتم فریاد زد: اعتراف کنید آقا! «راوی داستان متهم است که جعبه خورشید را باز کرده است و آسیب بزرگی به پژوهشی مهم در تاریخ زده است. این آسیب آن قدر شدید بوده که دادگاهی برای آن تشکیل شده است. این شروع پیام قصه را روشن می کند که با داستانی خاص و غیرواقعی روبه روست. نویسنده «من سلاخ نیستم» خود اذعان دارد که این اثر دنیای دیوانه واری دارد و بیش از هر چیز رمانی است ضداجتماعی که به جراحی های زیبایی و توجه زیاده از حد مردم به بدن می پردازد. در این اثر، مردمانی شنیفته تن به مدد علم توانسته اند برای هر نقص فیزیکی یا ناراضی جسمی، راه حلی بیابند. حتی با افراتر گذاشته و به نوآوری هایی دست زده اند که نامش را گذاشته اند تکامل. این اشخاص البته از واقعیت الهام گرفته شده اند.

«من سلاخ نیستم» به قلم الهام سیدحسینی به رشته تحریر در آمده و از سوی انتشارات سوره مهر با حجم ۱۱۲ صفحه در سال ۱۳۹۷ روانه بازار کتاب شده است. وی قبل از این اثر، کتاب های «دوست داشتن»، «جای خالی هیجان» و «زبان گنجشک» را در کارنامه خود دارد و به تازگی کتابی با عنوان «داستان ضد» از سوی انتشارات سپهر فروزان منتشر کرده است.

او پیش تر با داستان «نور آفتاب چشمش را می زد» برگزیده جشنواره ادبی ققنوس شده بود. این داستان در مجموعه «کجا بودی الیاس» یادمان شهدای غواص که به همت مجید قیصری گردآوری شده به چاپ رسیده است.



من سلاخ نیستم

• نویسنده: الهام سیدحسینی

ملیحه کروخی
پژوهشگر تاریخ

کوثر

مادر تصویرگری ایران

نگاهی کوتاه به زندگی بانوی مشهدی نخستین تصویرگر کتاب کودکان

اگرچه قصه ها و افسانه ها ذهن را به درون خود می کشانند، دنیای رنگی و تصاویر کتاب نقش مهمی در شکوفایی ذهن کودکان دارد. تصاویر گام های بلندتری در مقایسه با کلمات در تخیل کودک برمی دارند و او را در سفری دل انگیز همراهی می کنند. شروع این سبک نقاشی در ایران با بانویی شکل گرفت که در آخرین سال های حکومت قاجار از مادری لهستانی و



«داستان های کهن» و «حاجی ملا زلفعلی» صبحی مهتدی را انجام داد. این آثار از نخستین کارهای تصویری برای کتاب های جدید کودکان در دوران خود به شمار می روند و قطعاً می توانید تصور کنید چه تحولی بزرگی برای کتاب کودکان محسوب می شد. تقی پور، از سال ۱۳۲۸ کار خود را در وزارت فرهنگ وقت آغاز کرد و در هنرستان بانوان به کار آموزش طراحی و خیاطی پرداخت. او هشت کتاب از گردآورده های سید ابوالقاسم انجوی در گستره فرهنگ مردم را نیز مصور کرد. هم چنین برخی از تصویرهای کتاب های درسی دهه ۳۰ از آثار اوست. بانو تقی پور در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در موزه ایران باستان شروع به کار کرد و به همکاری با باستان شناسان در ترسیم نقوش سفالینه، سکه ها و الواح و متون باستانی پرداخت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۰ به او درجه دکترای هنر داد. سرانجام بانوی رنگ ها و تصاویر در سال ۱۳۸۰ خورشیدی در تهران درگذشت و از خود گنجینه ای به یادگار گذاشت.

پدری ایرانی در مشهد به دنیا آمد. خاله اش نقاش بود. مادرش نیز روی پارچه نقاشی می کرد. لیلی تقی پور میلانی در دامن چنین خانواده هنرمندی با دنیای رنگ و تخیل آشنا و بعدها به عنوان یکی از پیش گامان هنر معاصر به نخستین تصویرگر کتاب کودک در ایران تبدیل شد. پدرش نیز یک حقوق دان هنردوست بود که لیلی را برای آموزش نقاشی در کلاس های یکی از شاگردان کمال الملک به نام مؤیدپرداز ثبت نام کرد.

لیلی با علاقه فراوانش به نقاشی بعدها تصمیم گرفت این رشته را در دانشگاه هم ادامه دهد، رشته ای که آن زمان در دانشکده تازه تأسیس هنرهای زیبا تدریس می شد. به این ترتیب، او یکی از نخستین هنرجویان و از نوگراترین زنان نقاش کشور شد. هنر و استعدادش چندان درخور تحسین بود که مورد توجه محسن مقدم قرار بگیرد و به نشریه ادبی و هنری پیام نو معرفی شود. نخستین کار او تصویرگری برای یکی از شعرهای نیما یوشیج بود. از طریق بزرگ علوی با فضل... صبحی مهتدی، قصه گوی بزرگ کودکان، آشنا شد و تصویرگری کتاب «داستان های ملل»،